

خواجه معین داشته‌اند. و به سرور زمان تألیفاتی را به وی نسبت داده‌اند که به قرار ذیل است:

انیس الارواح یا انیس دولت، حدیث المعارف، رساله آداب دم زدن، رساله‌ای در تصوف، کشف الاسرار، گنج الاسرار، رساله وجودیه، مکاتیب، وصول المعراج از آنجا که خواجه معین‌الدین در تصوف اسلامی مقامی ارجمند داشته در احوال و مقامات وی کتابهایی چند نگارش یافته است؛ مانند مونس الارواح، کتاب وقایع شاه معین‌الدین چشتی، تاریخ خواجه احمد اجمیر و معین الاولیا. سرانجام وی در سن ۹۷ سالگی در ششم رجب سال ۶۳۳ هجری درگذشت و در اجمیر که موضع اقامت او بود، مدفون گشت.

عنوان مقاله : داغ شقایق (غم در ادبیات فارسی)

نویسنده : مسیح‌الله حیدرپور

مسأخذ : مجله آموزش زبان و ادب فارسی (مجله رشد)، س پانزدهم،

ش ۵۶، (زمستان ۷۹)، ص ۷۹ تا ۸۱

غم از نظر لغوی به معنی موی پیشانی و پس سراسر است و به معنای گرم، دهان بند و پوشیده و همچنین اندوه و حزن است. از لحاظ عرفانی به معنای اهتمام طلب معشوق را گویند و از نظر روانشناسی حالت و وضع عاطفی است که در نتیجه از دست دادن یک شیء مهم پیدا می‌شود. غم از عواطف بشری است و روانشناسان آن را یکی از پناه‌گاه‌های گریز انسان از عدم ارضای نیازهای روانی به درون خود می‌دانند. به طور کلی بیان رنجها و دردها همان ابداع هنری و ادبی هر شاعر و هنرمند است و هنردوستی که یکی از ابزارهای پالایش روانی است، نوعی همدردی و همزبانی مردم با هنرمند و شاعر است. در اینجا به نمودهای غم در متون نظم و نثر فارسی اشاره می‌شود:

۱- غم نان و روزی

۲- داغ فرزند از مضامین اندوهبار ادب غنایی

۳- غم دختر داشتن و اظهار ملال و دل‌تنگی از آن در باورهای عامه

۴- غم ممنوع

۵- غم غربت و تنهایی

۶- اندوه و درد هجران

۷- غم عشق آسمانی و هدیه آن جهانی

در پایان این نکته در خور توجه است که اندوه عشق تمام هستی را فرا گرفته

است و ندای اشتیاق محبوب از در و دیوار وجود به گوش می‌رسد.

عنوان مقاله : انواع متمم

نویسنده : عبدالحمید آخوندی

مآخذ : مجله آموزش زبان و ادب فارسی (مجله رشد) س پنزدهم،

ش ۵۶، (زمستان ۷۹)، ص ۶۳ تا ۶۵

به طور کلی به گروه «حرف اضافه + گروه اسمی» متمم می‌گویند. متمم یکی از پرکاربردترین سازه‌های نحوی جمله است که در بیشتر جمله‌های فارسی به کار می‌رود و در تقسیم جمله به نهاد و گزاره در قسمت گزاره قرار می‌گیرد. متمم انواع گوناگونی دارد که عبارت است از:

۱- متمم اجباری فعل: بعضی فعلها متمم خواه است. این گونه فعلها در تمام جمله‌های معیار امروزی به کار می‌رود. متمم این فعلها با یکی از این پنج حرف اضافه می‌آید: به، از، با، در، بر. برای تشخیص متمم اجباری فعل، توجه به این نکات مهم است:

۱- تشخیص فعل و نیز تشخیص ساده و یا مرکب بودن آن

۲- آیا فعل به حرف اضافه اختصاصی (به، از، با، در، بر) احتیاج دارد یا نه؟

متمم اجباری در جمله‌های زیر وجود دارد:

۱- جمله سه جزئی با متمم: من با دشمن خواهم جنگید.

۲- جمله چهار جزئی با مفعول و متمم: او دوستش را از خود رنجاند.

- ۳- جمله سه جزئی با متمم: این نامه برای من است.
- ۴- جمله چهارجزئی با متمم و مسند: اهل محل به او پهلوان می‌گفتند.
- ۵- جمله چهارجزئی با مفعول و متمم: ما او را چون شیری می‌پنداریم.
- توجه: گاهی فعل اسنادی متمم می‌گیرد (جمله‌های ۳-۴-۵). این متمم‌ها نیز برای فعل اجباری است و جزو اجزای اصلی به حساب می‌آید.
- این متممها (در جمله‌های ۳-۴-۵) با هر حرف اضافه‌ای که بیایند اجباری هستند. متممهای غیر فعل:
- الف) متممهای اجباری، مثل ۱- متمم اسم ۲- متمم صفت ۳- متمم مسند ۴- متمم صوت ۵- متمم متمم ۶- متمم قید.
- ب) متمم اختیاری (متمم قیدی)
- ساخت یکی از قیده‌های نشانه دار چنین است: حرف اضافه + گروه اسمی.
- این متممها قابل حذف است و در یک جمله می‌تواند بیش از یک قید بیاید.
- لازم به ذکر است که در یک جمله در کنار متمم اجباری یک یا چند متمم قیدی می‌تواند بیاید.
- آگاهی از دانش روز (برای هر معلمی) لازم است.
- متمم اسم متمم قیدی

عنوان مقاله: دریغ است ویران شود فارسی

نویسنده: مصطفی ذاکری

مأخذ: نشر دانش، س هفدهم، ش چهارم، (زمستان ۷۹)، ص ۴ تا ۱۳

برخی از عوامل تغییر زبان، درونی و ناشی از تحول طبیعی آن است و برخی عوامل بیرونی است. برخی از عواملی که به فساد و تباهی زبان فارسی یا ویران کردن آن کمک کرده عبارت است از:

- مترجمان تازه کار و بازاری که لغات و تعبیرات غلط را در ترجمه‌های خود به کار می‌برند و از زبانهای خارجی گزته برداری می‌کنند.

- کوتاهی معلمان ادبیات و آموزش و پرورش در تعلیم زبان مادری و ترویج کلام فصیح فارسی

- سازمان رادیو و تلویزیون

- فارسی‌گرایان و سره‌نویسان، که زبان را به صورت مصنوعی و نامفهوم در می‌آورند.

- زبان‌شناسان، که نظریه‌های زبان‌شناسی را محک نزده در مورد فارسی به کار می‌برند.

- شاعران نوپرداز که با پیروی از اصل «آشناگریزی» آفات بسیاری به زبان وارد کرده‌اند.

اهمیت زبان فارسی: اهمیت زبانها را می‌توان براساس چند عامل مهم ارزیابی کرد:

الف) نقش اجتماعی یعنی میزان کاربرد آنها در جهان

ب) توانایی در بیان مطالب علمی، فنی، هنری و ادبی

ج) وسعت دامنه ادبیات

د) قدمت و سابقه تاریخی

ه) توجه مردم جهان به آنها

و) تعداد سخنگویان

از لحاظ قدمت فقط دو سه زبان با فارسی قابل مقایسه است. زبان فارسی در طول تاریخ سه هزار ساله به کمال رسیده و از برخورد با زبانهای ملل دیگر بهره‌مند و برغنائی لفظی و معنوی آن افزوده شده و از تجربه عظیم و طولانی برخوردار است.

زبان فارسی زبان دوم اسلام است و از بعضی جهات برای انتقال فرهنگ از عربی بسیار غنی‌تر است؛ مثلاً در عرفان هیچ زبانی نمی‌تواند با فارسی برابری کند و آثاری که در عرفان به فارسی نوشته شده در جهان بی‌نظیر است. هر دانشمندی که بخواهد از علوم و فرهنگ اسلامی بهره‌مند شود ناچار است که فارسی را فراگیرد. آنچه در زبانهای دیگر اسلام چون ترکی و اردو آمده غالباً از فارسی اقتباس شده و برای تحقیقات اسلام‌شناسان ضرورت درجه اول ندارد.

زبان فارسی زبان مخاطب ملل گوناگون بوده است. هم اکنون در مصر، لبنان و

سوریه به کلمات بسیاری که از فارسی به آن نقاط رفته است برخوردار می‌کنیم و در هند و پاکستان کمتر کسی از اهل علم و ادب می‌توان یافت که شعری به فارسی از بر نداشته باشد. این ملتها در غنی کردن ادبیات فارسی بسیار کمک کرده‌اند؛ چنانکه برخی از مهمترین شعرای فارسی زبان هندی هستند (امیر خسرو دهلوی، جمالی دهلوی، حسن دهلوی، فیضی دکنی).

وسعت دامنه ادبیات و کتابهای فارسی: کمتر زبانی از جهت فراوانی تألیفات و ترجمه در انواع علوم و فنون و ادبیات به پای فارسی می‌رسد که در طول ۱۲ قرن گذشته به بشریت هدیه شده است. شاید عربی را در مشرق زمین و لاتین را در مغرب بتوان از این لحاظ با فارسی مقایسه کرد. زبانهای کنونی اروپایی فقط دو سه قرن است که اهمیت یافته است.

زبان فارسی مَثَل اعلاّی زبان شعراست. شعر فارسی اگر زیباترین شعر جهان نباشد از زیباترین آنهاست و این ناشی از عوامل ذاتی زبان فارسی است.

تعداد فارسی‌گویان: فارسی در ایران، افغانستان و تاجیکستان رواج دارد. در ازبکستان، کشمیر، هند و پاکستان سخنگویان و هواخواهانی دارد. شاید تعداد سخنگویان فارسی به بیش از یکصد میلیون نفر برسد که حاکی از اهمیت آن از نظر زبانشناسی جغرافیایی (Geolinguisti) است.

زبان فصیح فارسی: در حال حاضر کلام فصیح و بلیغ فارسی در غالب روزنامه‌ها، مجلات عمومی، علمی و ادبی، کتابهای دانشگاهی و حتی دبستانی و دبیرستانی به کار می‌رود.

هرگونه انحراف از شیوه متعادل باعث فساد زبان و ویرانی آن می‌شود. لذا همانطور که عربی‌گرایی قرون گذشته زشت بوده، فارسی‌گرایی افراطی هم نارواست.

عنوان مقاله : زبان و زبان

نویسنده : دکتر محمود حسن آبادی

مسأخذ : مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، س ششم،

ش پایبی ۱۱، (شهریور ۷۹)، ص ۸۵ تا ۱۰۰

از مدتها پیش بخصوص از سال ۱۹۶۰ به این سو مکتبی سیاسی، اجتماعی به نام اصالت زن (فمینیسم) پدید آمد که تلاش می کند به مظلومیت زن پایان بخشد. این مکتب معتقد است که نقش زن در زندگی فردی و اجتماعی به عنوان پرورش دهنده و تربیت کننده بسیار مهم و حیاتی است. زن اولین و بهترین معلم زبان برای نسلهای انسانی است و به طور کلی نهال و پایه اساس شخصیت کودکان ابتدا در خانه و در آغوش مادر بنا نهاده می شود.

«جنس در زبان فارسی»

گفته اند در زبان دری جنس وجود ندارد اما در برخی از زبانها مانند فرانسه، آلمانی، عربی و انگلیسی تمایز جنسی وجود دارد. البته مواردی در زبان فارسی هست که نه تنها وجود جنس را دست کم در برخی موارد ثابت می نماید بلکه نشاندهنده نوعی تبعیض زبانی به نفع مذکر است که در ذیل به آنها اشاره می کنیم:

۱- در زبان فارسی کلماتی هست که همواره برجنس مذکر دلالت می کند و اگر بخواهیم آن را در مورد زنی به کار بریم باید پیش و پس از آن، کلماتی بیاوریم؛ مثلاً کلماتی همچون معلم، مدیر، استاد اگر به تنهایی بیاید دلالت بر مرد بودن می کند.

۲- در بیشتر زبانهای هندو اروپایی از جمله «ژرمن» واژه مرد و انسان یکی است و یا در زبان انگلیسی واژه Man هم به معنای مرد و هم به معنای انسان است. همینطور در زبان فارسی، در لغتنامه دهخدا یکی از تعاریف «مرد» از این قرار است: شخص، مفرد، کس، انسان، آدمی، گویی زن از دایره انسانیّت خارج است.

بنابراین در زبانهای مختلف از جمله زبان فارسی ارزش و اعتبار زیادی برای مردان قائل بودند و حتی در بعضی از متون، زنان را در ردیف دیوانگان، مستان، عوام و کودکان قلمداد می کردند.